

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷

عباسیان در امتداد امویان

ماجرای دشمنی نهان و عیان عباسیان با اهل بیت (علیهم السلام)

▼ پایه‌گذاران نهضت عباسی که در ادامه به تأسیس سلسله عباسیان منجر شد، جریانی ناخودآگاه و ناخداآگاه در تاریخ بود. آنها خودشان را در رقابت با بنی‌امیه تعریف کرده بودند و هدفشان رسیدن به قدرت بود. شعار آنها «الرّضا من آل الرّسول» بود و بازی‌ای که در عرصه سیاست آغاز کرده بودند، نسخه کپی برداری شده از بازی بنی‌امیه بود. آنها همانطور که بنی‌امیه از اصحاب پیامبر به عنوان نقاب استفاده می‌کردند، سعی داشتند از یکی از اهل بیت (علیهم السلام) را به عنوان نماد قدرت استفاده کنند، اما نهاد حقیقی قدرت را خودشان به دست گیرند. به همین جهت هیچکدام از اهل بیت، حاضر به همکاری با آنها نشدند.

▼ پس از پیروزی و تشکیل حکومت عباسیان، یکی از راهبردهای آنها برای مقابله و تحریف معارف اصیل اسلامی، راه‌اندازی نهضت ترجمه است. خلفا هنگامی که دیدند مکتب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام)، در حال پاسخگویی فکری و عینی به جامعه اسلامی است، لازم دیدند دغدغه جدیدی برای این جامعه به وجود آورند تا بتواند نخبگان جامعه را به خود مشغول بدارد. بنابراین تصمیم بر آن شد که هرکس کتابی از روم یا یونان ترجمه کند، صله مخصوصی از خلیفه خواهد گرفت. این موضوع را نباید در کمال سادگی، علم‌دوستی خواند، خلیفه یک سیاستمدار است و همواره در پی قدرت بوده است، بنابراین نهضت ترجمه باید یک مایه‌آزای سیاسی برای او داشته باشد. از این روی میتوان فهمید که چرا آنها به سراغ روم و یونانی رفتند که مرکز اشرافیت و اتوکراسی جهان بود. آنها محتاج تولید اندیشه‌هایی بودند تا از رفتار آنها به صورت علمی دفاع کند. از این نظر هیچگاه به سراغ آثاری که در تمدن چین بود، نرفتند تا مثلاً کنفوسیوس را ترجمه کنند، کسی که دعوت به برادری در جامعه میکرد. از این نظر، ترجمه آثار یک تمدن برده‌دار، بسیار مفید بود.

آنچه گذشت، علت علاقه‌مندی خلیفه به ترجمه آثار یونان باستان بود و به معنای انکار دستاوردهای درخشانی که بالتبع در زمینه تفکیک و پیدایش علوم جدید به وجود آمد نمی‌باشد.

▼ اما پس از مأمون و شهادت امام رضا (علیه السلام)، رویکرد خلفای عباسی بر علیه اهل بیت، رویکرد سخت بود و آنها هیچ نهاد علمی-فرهنگی‌ای را به رسمیت نشناختند. آنها در این دوران از هیچ‌کس جز احمد بن حنبل، حمایت نکردند و او آخرین حرف را در وجوب اطاعت از یک پادشاه مستبد بر زبان آورد. او گفت «باید از امام (حاکم) تبعیت کرد، ولو فاسق فاجر باشد. همچنین مالیات‌های شرعی را باید به خلیفه داد، ولو در جای خودش مصرف نکند.» خب این برای دستگاه حاکم عباسی بسیار مفید بود. این است که پس از او هیچ مذهبی پایه‌گذاری نشد.



▼ ما برای اهل جماعت که اکثریت خاموش هستند، در حقیقت سه مذهب داریم که عبارتند از حنفی، شافعی و مالکی. یک مذهب دیگر هم بوده است که برای حفظ وضع موجود تشکیل شده است، به نام حنبلی، مذهبی که تلاش میکرد ظلم و استبداد خلیفه را تئوریزه کند و در نهایت نقطه مقابل این مذهب نیز، مذهبی برای نفی وضع موجود بوده است که **تشیع محمدی** نام دارد. دشمنی میان اهل سنت و تشیع، **در حقیقت نزاعی بوده است که حنبلی ها علیه شیعیان** داشتند، حنبلی هایی که همواره تحت حمایت خلفا بودند.

▼ پس از احمد بن حنبل، در قرن ۱۲، ابن تیمیة پیدا شد که گفت مذهب، همان مذهب احمد بن حنبل است و در نتیجه **از نظر او، حنفی، شافعی، مالکی و شیعه، همه کافر محسوب می شدند.** چند صد سال بعد در قرن ۱۹ میلادی نیز در امتداد حرکت های مذکور، نهضت و هابیت توسط محمد بن عبدالوهاب پایه گذاری شد که شروع به شیعه گشی کرده و قبور ائمه را تخریب کردند. از دل این حرکت نیز در تاریخ معاصر ما، جریان های تکفیری مثل طالبان، داعش و القاعده به وجود آمد، جریان هایی که بسیاری از زخمی های آنها در جنگ، بر روی تخت های بیمارستان اسرائیل معالجه می شدند!